رفتارهاي وحدت گرايانه در آموزه‌هاي قرآن كريم با تأكيد بر عبادات جمعي

رفتارهاي وحدت گرايانه در آموزه‌هاي قرآن كريم با تأكيد بر عبادات جمعي

سيده منوره شاسته خوي

مدير مدرسه علميه نرجس-3 مشهد

چكيده

موضوع مقاله رفتارهاي وحدت‌گرايانه در آموزه‌هاي قرآن كريم است. شروع استعمار نوين و طرح جديد تقسيم كشورهاي اسلامي از سوي غرب و مصادره بيداري‌هاي اسلامي و ادامه اشغال فلسطين و تهاجم فرهنگي و هزاران مشكلي كه از سوي حاكمان استكبار جهاني و كفر بر جوامع اسلامي پيش امده، ضرورت حياتي وحدت مسلمين را نشان مي‌دهد و راه‌كارها زمينه‌هايي براي اين كار بايد انديشيد كه بحمدا قرآن كريم آموزه‌هاي كاربردي و سازنده‌اي در اين زمينه دارد. لذا بر آن شديم كه اين موضوع را مورد پژوهش قرار دهيم.

وحدت به معناي يكي شدن و يكپارچگي در اعتصام به حبل ا و احساس اخوت ديني مسلمانان جهان است و عملكردي كه به وحدت بيانجامد رفتاري وحدت‌گرايانه خوانده مي‌شود. قرآن كريم بر وحدت اسلامي تأكيد بسيار دارد و بدين منظور چگونگي وحدت را به مسلمانان آموزش مي‌دهد. بخشي از اين آموزه‌ها مربوط

به فرهنگ رفتاري است كه بايد در هر سه جانب ارتباط با خدا، خود و جامعه نمودار گردد؛ مانند دعاها، تعميم دعاي خير چون: درخواست آمرزش، دفع بلا و... دلي پاك از كينه و عداوت، و نيز عبادات جمعي چون: نماز جماعت، جمعه، اعياد، عبادات همزمان چون حج و روزه رمضان، و رفتار با خود كه همان تهذيب نفس در دو جانب: پرهيز از رذايل اخلاقي‌اي كه باعث قطع روابط اجتماعي مي‌گردد؛ چون: حسادت، بدگماني، استهزاء، غيبت، خيانت، پيمان‌شكني، بخل ... و در مقابل آراستگي به كمالات اخلاقي‌اي كه پيوندهاي اجتماعي را تقويت مي‌كند مانند: خيرخواهي، حسن ظن، مهرورزي، صداقت، امانت‌داري، وفاي به عهد و رفتارهايي كه در جامعه منتهي به وحدت مي‌شوند عبارتند از: تعاون، نظارت اجتماعي، عدالت اجتماعي، پرهيز از نزاع و درگيري، رسيدگي به نيازمندان، پيشگيري از جنگ و دشمني، اطاعت از رهبري، موضع مشترك و قاطع در برابر دشمن، صلح ميان اقوام درگير، پيوند برادري و... .

مقاله حاضر كه در موضوع خود بديع است تلاش دارد با روش توصيفي و تحليلي ضمن تأكيد بر قرآن و بهره‌مندي از تفاسير و منابع حديثي رفتارهاي وحدت‌گرايانه را برشمرد و با نگاه به چالش‌هاي فراروي وحدت جوامع كنوني مسلمان، سعي بر كاربردي كردن موضوع دارد.

واژگان كليدي: وحدت اسلامي، رفتار وحدت گرايانه، قرآن كريم، عبادت، اخلاق اجتماعي، روابط اجتماعي

مقدمه

وحدت اسم مصدر از ريشه (وحد) است. (وحَدَ يحدُ وَحده) تك و تنها شدن و در باب افتعال (اتحاد)، اتحدت الاشياء: يكي شدن چند چيز است: وحدت در اصطلاح سياسي به معناي يكي شدن دو يا چند دولت در جوانب گوناگون نظام سياسي، اقتصادي و ... است.[1] وحدت انسان‌ها در قرآن كريم به معناي اشتراك مردم در نوع انسان و يكي شدن همه يا گروهي از مردم در اعتقادات حق يا باطل يا ساخت فطري و بدون اعتقاد است و در نه آيه از «امت واحده» سخن به ميان آمده است: كه بنا بر تفسير مجمع البيان و... دو آيه منظور از امت واحده دين اسلام است؛ يعني ديني كه همه پيامبران بر پذيرش آن وحدت نظري داشته‌اند: «انّ َ هذه امتكم امه واحده و أنا ربّكم فاعبدون» همانا اين دين شما ديني واحد است و من پروردگارتان هستم پس مرا بپرستيد.[2] و در آيه ديگر «فاتّقون»[3] آمده است.[4]

وحدت پيامبران بر اعتقادات توحيدي اسلام به عنوان برترين الگوي اعتقادي راستين و حق است كه ضروري

است همه مردم جهان آن را بپذيرند تا اعتقاد توحيدي، عبادت خدا و پرهيزگاري جهاني شود و اين اشتراكات اعتقادي مبناي اخوت و برادري آنان گردد چرا كه قرآن كريم اصحاب پيامبر را به مهر ورزي با يكديگر توصيف مي‌كند و مؤمنان را برادر مي‌شمارد. اما تا رسيدن به اين آرمان كه مطابق اعتقادات اسلامي در زمان ظهور حضرت مهدي(عليه السلام) محقق مي‌شود بايد زمينه آن فراهم گردد و راهكارهاي ايجاد وحدت اسلامي بايد تقويت و عملي گردند كه از جمله آن‌ها، پاسداري از اعتقادات مشتركه مسلمانان جهان و ايجاد اخوت و مودت ميان آنان با استفاده از آموزه‌هاي وحدت‌گرايانه قرآن كريم است.

بدون شك مسلمانان علي رغم تفاوت‌هاي مذهبي(فرقه‌اي) اجتماعي، فرهنگي بومي، سياسي، نژادي، زبان، خط و ... اما همه در اصول اعتقادي: توحيد، نبوت و معاد و ضرورت‌هاي ديني در جوانب عبادي، اخلاقي و اجتماعي مانند نماز، روزه ماه رمضان، حج بيت ا،ً زكات، امر به معروف و نهي از منكر،ً اخلاق فردي و اجتماعي اسلامي به خصوص حجاب و عفت، وفاي به عهد،ً تعاون و ... مشتركند.

اما متأسفانه در عصر حاضر مسلمانان تحت تأثير عوامل گوناگوني چون تهاجم فرهنگي و سياسي غرب، تعصبات فرقه‌اي و انحرافات فكري از اين اشتراكات غافل مانده‌اند و با پر رنگ كردن تفاوت‌ها، دچار پراكندگي و چند دستگي شده‌اند. اين در حالي است كه قرآن كريم با روش‌هاي گوناگوني بر رفتارهاي وحدت‌گرايانه تأكيد مي‌كند. در مقاله حاضر اين شيوه‌ها در سه حوزه ارتباط با خدا، خود و جامعه به تصوير كشيده شده‌اند.

الف- نقش ارتباط با خدا در وحدت

پيوند با حضرت دوست هدف زندگي انسان است و بدون آن زندگي بي‌معنا و چراگاه شيطان مي‌گردد، چرا كه اين ارتباط هدف آفرينش همه انسان‌هاست. چنان كه قرآن كريم مي‌فرمايد: «و ما خلقت الجنّ الإنس الا ليعبدون»[5] عبادت در قالب اعمال متنوعي چون دعا و مناجات، ذكر، تلاوت قرآن، نماز، روزه، حج و عمره، اعتكاف، قرباني و خلاصه هر عملي كه مشروط به نيت تقرب به خدا باشد، انجام گيرد و از اين ميان عبادت جمعي تأثيرگذارترند.

الف) ارتباط با خدا

1- نقش عبادات جمعي

عبادات چه واجب و چه مستحب عمل مشترك همه مسلمين است و از اين جهت عامل وحدت آن‌ها به شمار مي‌آيد؛ اما اگر به صورت جمعي يا در محل مشترک و ويژه گردهمايي مسلمين انجام شود وحدت آنان را عملي مي‌سازد. (امام خميني(ره) درباره تأثير وحدت آفرين عبادات جمعي فرمودند: «جهات سياسي زيادي در اجتماعات و جماعات و جمعات و خصوصا اجتماع گرانبهاي حج مي‌باشد».[6]عبادات جمعي مورد تأكيد و توجه قرآن كريم و سنت معصومين(عليهم السلام) بوده است كه براي نمونه آياتي را نقل مي‌كنيم.

نمازهاي جماعت

1-1- نماز جماعت يوميه

نماز عبادتي هميشگي و با ماهيتي جمعي است حتي اگر فرادا خوانده شود؛ چرا كه نمازگزار رو به قبله مشترك مي‌كند و بر اصول اعتقادي مشترك تأكيد مي‌كند و با تلاوت سوره فاتحه كه بخش واجب هر نماز است همه مومنان را مورد توجه قرار مي‌دهد و همبستگي خود را در استقامت بر صراط مستقيم و برائت از ضالين و مغضوبين (يهود و نصاري) اعلام مي‌دارد و با سلام آخر محبت خود را به آنان ابراز مي‌دارد.

اما اگر به جماعت و به خصوص در مسجد خوانده شود ماهيت جمعي آن از قوه به فعل و از نظري به عملي تحول مي‌يابد.

نماز جماعت فرمان خدا به پيروان اديان توحيدي است كه به مريم بنت عمران فرمود: «يا مريم اقنُتي لربّک و اسجُدي و اركَعي مَع الرّاكعينَ»[7] خداوند پس از دعوت بني اسرائيل به ايمان به قرآن، فرمان مي‌دهد تا در نماز جماعت شركت كنند: «و أقيموا الصّلوه و آتوا الزّكوه و اركَعوا مع الرّاكعين»[8] فقهاي فريقين هم به استناد آيه اخير به استحباب نماز جماعت فتوا داده‌اند.[9] امام خميني(ره) آن را مستحب موكد و از عوامل وحدت به شمار آورده‌اند.[10]

هسته امت اسلامي با نخستين نماز جماعت سه نفره نبي اكرم(ص)، علي بن ابيطالب(عليه السلام) و خديجه كبري(عليها السلام) شكل گرفت و مخالفت مشركان با اسلام از همين جا آغاز شد.

نماز جماعت، خود نوعي تمرين بر وحدت قولي و فعلي و پيروي از رهبر واحد است، اعتقاد توحيدي و آوازه اسلام را جهاني مي‌سازد و هيچ عذري براي مردم جهان در اعراض از توحيد باقي نمي‌گذارد و روحيه تعاون و همياري در امور نيك را تقويت مي‌كند. امام رضا(عليه السلام) با اشاره به اين فلسفه فرمودند: «انما جعلت الجماعه لئلا يكون الإخلاص و التوحيد و الاسلام و العباده ﷲ الا ظاهرا مكشوفا مشهورا لأن في اظهاره حجه علي اهل الشرق و الغرب ﷲ وحده و ليكون المنافق و المستخف موديا ً لما أقربه يظهر الاسلام و المراقبه و ليكون شهادات الناس بالإسلام بعضهم لبعض جائزه ممكنه مع ما فيه من المساعده علي البرّ و التقوا و الزجر عن كثير من معاصي ﷲ عزوجلّ»[11]

در مقابل ترك بدون عذر نماز جماعت و عدم حضور در مسجد به منزله ترك نماز تلقي شده است.

پيامبر اكرم(ص) فرمودند: «لا صلوه لمن لا يصلّي في المسجد مع المسلمين الا من عله»[12] و امام صادق(عليه السلام) آن را به منزله خروج از ايمان دانسته‌اند: «من خلع جماعه المسلمين خلع ربقه الايمان من عنقه»[13] از ديدگاه نبي اكرم(ص) تارك مسجد و نماز جماعت حرمتي ندارد مگر به جماعت مومنين باز گردد: «لا غيبه لمن صلي في بيته و رغب عن جماعتنا و من رغب عن جماعه المسلمين وجب علي المسلمين غيبته و سقطت بينهم عدالته و وجب هجرانه و إذا رفع الي امام المسلمين أنذره و حذّره فإن حضر جماعه المسلمين و الا أحرق عليه بيته»[14]

علي رغم فاصله گرفتن اكثر قريب به اتفاق امت اسلام از منابع دانش رسول خدا(ص) و مفسران حقيقي قرآن عترت رسول(ص) كه پيامدهاي ناخوشايند علمي و تاريخي و مذهبي بسياري به بار آورده و باعث تفرق مسلمين شده است؛ اما اهل بيت طهارت(ع) همواره شيعيان را از باب تقيه مداراتي يا خوفي به شركت در نماز جماعت و ساير شركت‌هاي اجتماعي فرا مي‌خواندند.[15] و چنين نمازگزاري را چون رزمنده در حال آماده باش در صف اول جنگ دانسته‌اند. امام صادق(عليه السلام) به اسحاق بن عمار فرمودند: «صلّ معهم فإنّ المصلّي معهم في الوصف الاول كالشاهر سيفه في سبيل ﷲ»[16]

2-1- نماز جمعه

نماز جمعه كه ماهيت و صورتي جمعي دارد، به استناد قرآن واجب است: «يا ايّها الذين آمنوا إذا نوديَ للصلوه الجمعه فاسعوا الي ذكر ﷲ و ذرو البيع ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون»[17] فقهاي فريقين نيز جداي از اختلاف در فروعات آن اجماعاً به استناد آيه فوق و سنت نبوي آن را واجب مي‌دانند.[18]

اين نماز نظر به وجوب دو خطبهي آن كه مشتمل بر انذار و تبشير[19] و بيان مشكلات جامعه اسلامي و ارائه راه حلهاست نقش بارزتري در وحدت دارد.

محتواي خطبه عوامل اعتقادي و اخلاقي وحدت مسلمانان جهان را كه توحيد، نبوت و تهذيب نفس و تقواست تقويت و زنده نگاه ميدارد. خطيب پس از حمد و ثناي الهي و درود بر پيامبر اكرم(ص) و اهل بيت او مردم را با عنوان بندگان خدا خطاب و به تقوا و اطاعت از فرامين او فرا ميخواند و پس از آن بايد به مسائل و مشكلات روز جامعه خود و نيز جهان اسلام بپردازد. امام خميني(ره) درباره محتواي خطبههاي نماز جمعه فرمودند: «مردم را به خطبههاي نماز به وظايف خطيري كه دارند آشنا سازيد و از توطئههاي دشمنان اسلام و مملكت آگاه كنيد و به اتحاد و وحدت كار دعوت نماييد.»[20]

در زمان ما كه استعمار نوين غرب با حمايت از نظريه پردازان ملحد امپرياليسم خود چون برنارد لوئيس اقدام به تسلط جديد خود بر مسلمانان كرده است. اهميت تحول در خطبههاي نماز جمعه آشكار شده است چرا كه اين نظريه پرداز ملحد مسلمانان را مردمي وحشي و بي فرهنگ و غير قابل تأديب معرفي كرده و طرح تقسيم خاورميانه و شمال آفريقا را به چندين كشور يك ميليون نفري ريخته تا غرب بتواند با تسلط بيشتر بر آنان به مسخ فرهنگي شان بپردازد.[21] سياستمداران جهانخوار غرب با ابزار جنگي و بيانيههاي بينالمللي خودساخته چون حقوق بشر و با كمك احزاب مسلمان و غيرمسلمان وابسته و رؤساي حكومتهاي دست نشانده اقدام به اجراي آن طرح شوم كرده و با طرق گوناگون چون سركوب و مصادره بيداري اسلامي كشورها، ترويج دموكراسي، آزادي با تعريف غربي و بر مباني لائيك و... انتخابات مردمي را در جهت تجزيه كشور خود سوق ميدهد كه اخيراً شاهد تقسيم يك كشور مسلمان بوديم.

ائمه جمعه و جماعات بايد با بيدار ساختن مردم و آگاه كردن آنان از اهداف شوم غرب، در جهت ايجاد وحدت مذهبي و سياسي سوق دهند. اين مراسم عبادي بايد از طريق رسانهها ترويج و با شركت هر چه بيشتر مردم با شكوه گردند.

3-1- نماز اعياد و نقش عيد

نماز جمعي ديگر، نماز عيد فطر و قربان است كه به استناد سنت نبوي(ص) واجب يا مستحب موكد است. در دو خطبه هر نماز طرح موضوعات روز جهان اسلام و ايجاد وحدت ضروري است. اين علاوه بر نقش وحدت ساز خود روزهاي عيد است كه در آنها با ذكر تكبير و حمد و شكر بر اعتقاد توحيدي تأكيد ميشود. قرآن كريم درباره ذكر روز عيد فطر ميفرمايد: «و لتكملوا العده ولتكبروا ا علي ما هداكم»[22] درباره

ذكر روز عيد قربان نيز مي‌فرمايد: «كذلك سخرها لكم و لتكبروا ا‌ علي ما هداكم»[23] تكبير مسلمين در اين روزها اظهار شادي و رضايت جمعي از خداوند بر هدايت به شريعت اسلام است.

مقام معظم رهبري آيت ا‌ خامنه‌اي(ره) درباره نقش اعياد اسلامي مي‌فرمايد: «عيد اسلامي دو جهت دارد كه يك جهت آن توجه به خدا و معنويت و ديگر جهتش، تجمع همه مسلمين حول يك محور واحد است»[24]

وجه ديگر وحدت در اين دو عيد، وجه تعاون اقتصادي است چرا كه در هر دو كمك‌ها و كرامت‌هاي اقتصادي براي ارتقاي زندگي مستمندان و تكريم همگان با پرداخت زكات فطره و توزيع گوشت قرباني وجود دارد: چنان كه قرآن كريم درباره قرباني مي‌فرمايد:

«فكلوا منها و أطعموا القانع و المعتر»[25] زكات فطره چه به معناي پاك سازي بدن باشد چه به معناي عامل رشد بدن، گرايش به وحدت را تقويت مي‌كند؛ زيرا روزه دار پس از يك ماه تحمل گرسنگي و نحيف كردن بدن خود و نيز تمرين حس همدردي با مستمندان در روز عيد عامل رشد بدن خود را در نمو بدن فقرا مي‌بيند نه با پرخوري بيشتر؛ و در تفسير دوم روزه دار پس از يك ماه تمرين تقوا و طهارت روح با پرداخت زكات فطره آخرين مرحله پاكي را در احساس مسئوليت نسبت به فقرا مي‌جويد.

عبادات همزمان

1- عبادات ماه رمضان

قرآن كريم به سه عامل وحدت در ما ه رمضان اشاره دارد: روزه، نزول قرآن و شب قدر. در آيه 185 سوره بقره مي‌فرمايد: «شهر رمضان الذين انزل فيه القرآن هدي للناس و بينات من الهدي و الفرقان» فمن شهد منكم الشهر فليصمه. و در سوره قدر مي‌فرمايد: «انا انزلناه في ليله القدر و ما أدرك ما ليله القدر ليله القدر خير من الف شهر تنزل الملائكه و الروح فيها بإذن ربهم من كل امر سلام هي حتي مطلع الفجر»

روزه ماه رمضان به اجماع فقهاي فريقين واجب و ضروري دين است. و فلسفه وجوب آن تقوا و نيز ايجاد احساس گرسنگي مشترك ميان فقير و غني و در نتيجه انگيزش حس مسئوليت اجتماعي در طبقه غني است. امام

صادة(عليه السلام) فلسفه مساوات را در روزه چنين مي‌فرمايد: «انما فرض ا‌ الصيام ليستوي به الغني و الفقير»[26]

عامل دوم وحدت، قرآن كريم است كه به اعتقاد مفسران فريقين نزول دفعي و مجموع قرآن در شب قدر واقع شده است[27] و هيچ مسلماني شك ندارد كه كتاب قرآن منشور هدايت و سعادت همه مردم جهان است. «هدي للناس» قرآن نه تنها خود، عامل وحدت بلكه راهكارها و زمينه‌هاي ايجاد وحدت اسلامي را ارائه مي‌كند. «و بينات من الهدي و الفرقان» قرآن فارق ميان دو چيز حق و باطل است. اسلام حق و كفر، باطل است: «ان الدين عند ا‌ الاسلام و ما اختلف الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم و من يكفر بآيات ا‌ فان ا‌ سريع الحساب»[28]

عامل سوم وحدت، شب قدر است. همه مسلمين بر عظمت شب قدر و فرصت استثنايي آن آگاهند و جداي از اختلافات فرعي در تعيين زمان آن بين شب‌هاي 21 و 23 كه اغلب عقيده شيعه بر آن است و نيز شب 27 كه به اعتقاد اهل سنت است.[29] در اصل وجود آن اختلافي نيست. البته طبق روايات شيعه زمان دقيق آن، مجهول است تا شب‌هاي بيشتري از اين ماه به تهجد بگذرد و بر اساس روايتي هر شب ماه رمضان احتمال دارد شب قدر باشد و نيز به استناد برخي روايات شيعي، شب 27 و 30 ماه رمضان عظمت شب قدر را دارد.[30]

بنابراين پيروان هر دو فرقه سني و شيعه مي‌توانند به اميد نيل به فيض شب قدر هر سه شب 21 و 23 و 27 را به تهجد بگذرانند و مجالس احيا را مشترك برگزار كرده و ادعيه‌اي چون قرآن بر سر گرفتن، مجير، جوشن كبير و ... به طور جمعي زمزمه كنند.

رفتارهاي وحدت‌گرايانه‌اي كه در خطبه شعبانيه نبي اكرم(ص) در خصوص ماه مبارك رمضان بيان شده چون تلاوت قرآن، كمك به مستمندان، تحسين تعاملات اجتماعي، اطعام، نمازهاي مستحب و ... همه مورد تأييد فريقين بوده و بحمد ا‌ روسا و رهبران كشورهاي اسلامي در آستانه ماه رمضان از طريق رسانه‌هاي صدا و سيما آن را براي مردم خود نقل مي‌كنند و با اين كار تصوير واحدي از اين كشورها به جهان منعكس مي‌شود.

شبهه تفرقه‌انگيز بودن ثبوت اول ماه

موضوعي كه به ظاهر از عوامل تفرقه افكن به شمار آمده شروع و پايان اين ماه مبارك است كه غالبا كشورهاي سني مذهب يا شيعي در اين موضوع هماهنگ نيستند. به اين دليل برخي از طرفداران تقريب مذاهب تلاش در ايجاد اين هماهنگي و نيز زمان آغاز ماه‌هاي حج (به ويژه ذي‌الحجه) كرده‌اند و بسياري از علما بر اين موضوع تأكيد دارند. به اين دليل موضوع دقت در استهلال به ويژه در اين دو ماه كرده‌اند.

پاسخ به شبهه

در رد اين شبهه و نفي ضرورت دقت در استهلال بايد گفت: اولا تفاوت ديدگاه افراد در ثبوت اول ماه منافاتي با وحدت ندارد تا چه رسد به تفاوت ديدگاه كشورها يا جوامع بزرگ؛ زيرا به دليل عقل اختلاف يك يا دو روز آسيبي به اشتراك 28 يا 27روزه نمي‌رساند. قرآن كريم نيز ثبوت اول ماه را بر عهده فرد نهاده و اصراري بر استهلال و لزوم ثبوت آن از ديدگاه جمع نكرده است؛ زيرا مي‌فرمايد: «فمن شهد منكم الشهر فليصمه» هر كس از شما كه هلال ماه را ديد پس آن ماه را روزه بگيرد. بنابراين نگاه ساده و با چشم غير مسلح به غرب آسمان كافي است و اگر واقعا اول ماه باشد هلال غالبا ديده مي‌شود.

در خصوص عدم وجوب هماهنگي در ثبوت اول ماه ذي‌الحجه بايد گفت مشكل هماهنگي و وحدت زماني در انجام مناسك حج با فتواي فقيهان شيعه به تقيه مداراتي حل شده است.

در پايان اين شبهه ديدگاه مقام معظم رهبري آيت ا خامنه‌اي را در تأييد پاسخمان نقل مي‌كنيم. ايشان در خصوص عيد فطر فرمودند:

«عيد اسلامي براي زنده كردن احساس وحدت در بين مسلمان‌هاست. شما ملاحظه كنيد! امروزه براي بيش از يك ميليارد انسان روز عيد است. البته اختلاف افق امروز يا ديروز در تعيين روز اول شوال اهميتي ندارد. در بعضي كشورها ديروز عيد بود و در بعضي كشورها امروز. آيا اين مسأله‌ي كوچك و بي‌اهميتي است كه جمع كثيري از يك ميليارد نفر در اين روز در مراسم نماز شركت مي‌كنند. نماز واحدي را به سمت قبله واحد، با آداب واحد و با مضمون واحد به جا مي‌آورند؟ اين موضوع، خيلي عظيم است.[31]

2- اعتكاف

از جمله رفتارهاي عبادي وحدت‌گرا، اعتكاف است. از جمله اوامر خدا به بانيان كعبه ابراهيم و اسماعيل(ع) تطهير بيت براي طائفان نمازگزاران و معتكفان است: «و عهدنا إلي ابراهيم و اسماعيل أن طهّرا بيتي الطائفين و العاكفين و الركوع السجود»[32]

به اجماع فقهاي فريقين، اعتكاف از مستحبات و در دهه آخر ماه رمضان و به استناد سنت نبوي(ص) تأكيد بيشتري دارد. اعتكاف به معناي لبث و ماندن درازمدت براي عبادت است.[33] كه داراي دو ركن است: 1- ماندن در مسجد جامع يا جماعت. 2- روزه گرفتن[34]

و از نظر زمان لبث از حداقل يك لحظه تا يك شبانه روز، به اجماع فقهاي فريقين است.[35] بديهي است كه ماندن يك لحظه بر خلاف تعريف لغوي و مشهور فقهاست.

اين عمل عبادي اگر چه فردي و بدون زمان خاص است اما با سازماندهي و برنامه‌ريزي و تبعيت از سنت نبوي(ص) قابل تبديل به صورت جمعي است. بحمدا در جمهوري اسلامي ايران بيش از بيست سال است كه مورد توجه مسئولان فرهنگي و اقبال رقابت‌آميز عموم مردم به خصوص جوانان تحصيل كرده اعم از دانش‌آموزان و دانشجويان و طلاب حوزه‌هاي علميه قرار گرفته است. اين شاخص تا حدي پيش رفته كه ظرفيت مساجد جامع كشور جوابگوي داوطلبان نيست و فقها را به دقت و تفقه بيشتر در ادله شرايط اعتكاف وادار كرده است. توسعه فتاوايي در باب اعتكاف و آمارهاي مسئولان فرهنگي و اجتماعي بهترين شاهد بر مدعاست. علت اين اقبال، تأثير اين عمل عبادي در همگرايي و الفت قلوب، افزايش بصيرت و بالا بردن سطح معارف ديني، احساس عميق تقرب به خدا، تهذيب اخلاق و سبكي و رشد روح، آرامش رواني سالم نه از نوع عرفان‌هاي كاذب و ... بيان شده است.[36] كه اين آثار جوانب وحدت‌گراي اين عمل عبادي عرفاني را ثابت مي‌كند.

مهم‌ترين اثر وحدت‌گرا و در واقع حقيقت‌گرا، كمال انقطاع الي ا[37] با بريدن هرگونه تعلق از امور دنيوي (لذت بطن تا حد ممكن، لذت فرج (به طور مطلق)، معاملات، تفاخر و مراء، و اقبال تام به حضرت حق در مدت لبث است. اين امر ركن وحدت اسلامي يعني اعتقاد توحيدي را مستحكم و به تبع آن تعاملات اجتماعي و اخوت را تعديل و توسعه مي‌بخشد و به دليل اشتراك بعضي احكام اعتكاف، حج و عمره، معتكفان را براي مناسك حج و عمره آماده مي‌كند تا در آنجا وحدت جهاني مسلمين را به تصوير بكشد.

3- حج

حج قصد زيارت خانه خدا، كعبه مكرمه است كه وحدت فيزيكي و معنوي مسلمانان جهان اسلام را به تصوير مي‌كشد. به اجماع فقهاي فريقين حج از ضروريات بلكه از اركان دين اسلام به شمار مي‌آيد.[38]

اين اجماع به استناد نص قرآن «و ﷲ علي الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا»[39] است. اين عمل عبادي كه مجموعه‌اي از مناسك است در طي چند روز معين و در سال يك مرتبه با حضور مسلمانان از سراسر عالم و از هر فرقه و مذهبي انجام مي‌گيرد. فرصتي استثنايي براي تجربه وحدت جهان اسلام و آگاهي از مشكلات امت اسلامي و چاره انديشي براي حل آن‌هاست. قرآن كريم حج را فرصتي براي دستيابي به منافع و مصالح معرفي كرده است. خداوند پس از فرمان دادن به ابراهيم مبني بر فراخوان عمومي حج علت اين دعوت را چنين بيان كرد: «ليشهدوا منافع لهم و ...»[40] تا شاهد سودهايي براي خود شوند. كلمه «منافع» عام و مطلق است.[41] و منافع دنيوي و اخروي را شامل است.[42] و شامل انواع منافع سياسي، اجتماعي، فرهنگي، اقتصادي و ... مي‌شود.[43] امام صادق(ع) در پاسخ به پرسش هشام بن حكم درباره فلسفه حج به مصالح و منافع آن اين گونه اشاره مي‌كنند:

«و أمرهم بما يكون من أمر الطاعه في الدين و مصلحتهم من أمر دنياهم، فجعل فيه الاجتماع من الشرق و الغرب ليتعارفوا و لينزع كل قوم من التجارات من بلد الي بلد، و لينتفع بذلك المكاري و الجمال و لتعرف آثار

رسول الله(ص) و تعرف أخباره و يذكره و لاينسي و لو كان كل قوم انما يتكلمون علي بلاءهم و ما فيها هلكوا و خوبت البلاد و سقطت الجلب و الأرباح و عميت الأخبار و لم تقفوا علي ذلك فذلك عله الحج»[44] اين فوايد و نيز فوايد معنوي در حديثي از امام رضا(ع) نيز نقل شده است.

مطرح كردن معارف اسلامي، موضوعات اجتماعي و حتي سياسي در حج، در سيره نبي اكرم(ص)، اهل بيت(ع) و صحابه و تابعين بسيار ديده مي‌شود. پيامبر اكرم(ص) از موسم حج بيشترين استفاده را در تبليغ دين اسلام كرد و پيمان‌هاي عقبه اول و دوم و تشكيل هسته اوليه انصار در موسم حج پيش آمد، در عمره القضا قدرت و سطوت سپاهيان اسلام را با فرمان كشف از بازوان اصحاب و رمل[45] در طواف نشان داد، در حجه الوداع خطبه‌اي كه به منزله اولتيماتوم و سخن پاياني در نفي بازماندهاي فرهنگ و عصبيت‌هاي جاهلي در افكار تازه مسلمانان و تكميل حلال و حرام خدا به اضافه نصب علي بن ابي‌طالب به امارت مؤمنان و جانشيني خود در چند مايلي مكه، سخنراني عزاي سيدالشهداء امام ابي‌عبدا الحسين در جمع صحابه و تابعين در مني درباره افشاي چهره نابكار يزيد بن معاويه و درخواست قيام از آنان، قيام‌هاي ديگري كه اگرچه از نظر شيعه باطلند اما برخي صحابه و تابعين از مسجدالحرام آغاز شد چون

قيام اصحاب جمل، مصعب بن زبير و... .

با توجه با اطلاق منافع و ديدگاه‌هاي تفسير مشهور و احاديث معتبر و سيره پيامبر(ص)، ائمه و صحابه و تابعان مي‌توان گفت: طرح مسائل و مشكلات جهان اسلام، در موسم حج منع شرعي ندارد و بدعت به شمار نمي‌آيد به اين دليل بر خلاف توهم وهابيان حاكم بر حرمين مدينه و مكه راهپيمايي و تجمع برائت از مشركين شيعيان نه تنها بدعت نيست، بلكه سنت حسنه‌اي است كه اميد آن مي‌رود كه وحدت جهان اسلام را ضد كفر و استعمار ابرقدرت‌هاي شرق و غرب محقق سازد.

امام خميني يكي از مصاديق «منافع حج» را منافع مستضعفان جهان معرفي كرده‌اند و مي‌فرمايند: «مسلمانان در مواقف و مراسم اين عبادت كه يكي از مقاصد بزرگ آن، اجتماع مسلمين از تمام بقاع زمين براي منافع مستضعفان جهان است و كدام نفع بالاتر از كوتاه كردن دست جهانخواران از ممالك اسلامي است»[46]

پيشينه فرياد برائت از كفر و شرك در موسم حج به زبان نزول وحي و آيه: «وَ أَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلي النَّاسِ يَوْمَ الحَجِّ اْلأَكْبرَ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُه»[47]كه اميرمؤمنان علي(عليه‌السلام) به فرمان رسول خدا(صلي‌الله‌عليه‌وآله) سوره توبه را در سال 9 هجري در روز عيد قربان در حضور مؤمنان و مشركان خواند و به موجب اين فرمان هرگونه تعهد و تولي پيامبر(صلي‌الله‌عليه‌وآله) و مسلمانان با مشركان برچيده شد.[48]

در زمان حاضر كه متأسفانه بسياري از دولت‌هاي جوامع اسلاميتعهداتي را با ابرقدرت‌ها به ويژهآمريكا و انگليس مبني بر عدم دخالت در امور فلسطين يا پايبندي به نظام‌هاي لائيك و بيانيه‌هاي كفرآميز بين المللي دارند ملت‌ها بايد با ابراز مخالفت با اين تعهدات، حساب خود را از دولت‌هاي وابسته جدا كنند و با شركت در راهپيمايي برائت از مشركين به صورت يكپارچه بيزاري خود را از اين تعهدات ابراز كنند. از ديدگاه امام خميني اين فرياد عام وحدت جهان اسلام است لذا همه ساله به آن توصيه مي‌كردند: «مسلمانان حاضر در مواقف كريمه، از هر ملت و مذهب كه هستند بايد به خوبي بدانند كه دشمن اصلي اسلام و قرآن و پيامبر عظيم‌الشأن(صلي‌الله‌عليه‌وآله) ابرقدرت‌ها خصوصاً آمريكا و وليده فاسدش اسرائيل است كه چشم طمع به كشورهاي اسلامي دوخته و براي چپاول مخازن عظيم زيرزميني و روي زميني اين كشورها از هيچ جنايت و توطئه‌اي دست بردار نيستند و رمز موفقيت آنان در اين توطئه شيطاني تفرقه انداختن بين مسلمانان، به هر شكل كه بتوانند، مي‌باشد».[49]

انتظار مي‌رفت اين فرياد چون موج كوبنده‌اي اسرائيل و ابرقدرت غرب را نابود سازد اما متأسفانه تفرقه افكني دشمنان توسط عمال مزدور منطقه و ملاهاي وهابي درباري كه در واقع خائن الحرمينند، رو به خمودي گرايید، با ايجاد فاجعه جمعه سياه مكه مكرمه در سال 1366، تبليغ روزافزون عقايد ضاله وهابيت، تفرقه ميان زائران و حاجيان ايراني و ساير كشورها و ابراز حساسيت و ايجاد فشار مضاعف بر شيعيان به خصوص ايراني و تكفير شيعه، تقويت پليس و هزاران ترفند تفرقه افكن، رو به خمودي گرايید.

امام خميني در اين‌باره فرموده‌اند: «درست در زماني كه جمهوري اسلامي براي حفظ سرزمين‌هاي اسلامي و حراست از حرمين شريفين مسلمانان را به وحدت اسلامي دعوت مي‌كند «و يا للمسلمين» مي‌گويد، از مركز وحي براي خنثي نمودن اين فرياد، پيشنهاد جهاد عليه اين دعوت را كرده و به نفع آمريكا دشمن اسلام، اسرائيل كه براي گفتن از فرات تا نيل و سلطه بر حرمين شريفين كوشش مي‌نمايد، سينه چاک مي‌زنند.[50]

با وجود نقشه‌هاي تفرقه افكنان وهابيان و دولت‌مردان عربستان سعودي، اما خوشبختانه با گفتگوي دوستانه‌اي كه با زائران بيت الحرام از هر مليت و مذهبي، داشتم، همه به دو عامل ضعف مسلمانان اقرار مي‌كردند كه اولاً جهان غرب همچنان بر ما مسلمانان مسلط است و ثانياً تفرقه ميان ما مسلمانان و عدم وحدت كلمه را باعث اين سلطه شده است. همه آرزوي نابودي اسرائيل را در دل داشتند.[51]اميد است كه اين آگاهي مردم نقطه آغاز وحدت و استفاده از ظرفيت‌هاي كنگره عظيم حج گردد و ارتش چند صد ميليوني جهان اسلام از مكه حملات خود را بر جهان آغاز كند.

برخي مناسک حج نيز وحدت‌گرايي را تقويت مي‌كند و چون وقوف در عرفات و مشعرالحرام فرصت يک شبانه روز الفت و همگرايي و به دور از هرگونه مشغله شخصي و دنيوي به حاجيان مي‌دهد و همه با هم به مناجات و دعا و عبادت مي‌پردازند و هر يک به زباني امام همه با هم خدا را مي‌خوانند و به فرموده امام حسين(عليه‌السلام) «فَالَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْواتُ بِصُنُوفِ اللُّغاتِ»[52]و همه در طول شب نيز با ياد و انابه خدا حول محور وحدت مسلمين يعني اعتقاد توحيدي مي‌گردند و لبيک به فرمان قرآن مي‌گويند: «فَإِذَا أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُواْ اللّهَ عِندَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ»[53] و پس از قرباني و اطعام همگان، ثروتمند و مستمند آرزوي ادامه زندگي را براي خود و ديگران را عملاً نشان مي‌دهند و در پايان مناسک عشق به خدا را چند برابر و فراتر از هر تعلق دنيوي حتي اصل و تبار كرده و به دعاي خير دنيا و آخرت براي خود و ديگران، حج مقبول و سعي مشكور را براي خود رقم مي‌زنند: «فَإِذَا قَضَيْتُم مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُواْ اللّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا في الدُّنْيَا

وَ مَا لَهُ في الاَْخِرَةِ مِنْ خَلاقٍ * وَ مِنْهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا في الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ في الاَْخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ * أُوْلَئكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُواْ وَ اللَّهُ سَرِيعُ الحْسَابِ»[54]

4- عمره مفرده و زيارات

الف) عمره مفرده از عبادات جمعي و به منزله حج كوچک است كه بر خلاف حج، در طول سال قابل اتيان است. اين عبادت در قرآن كريم توصيه شده است: «وَ أَتِمُّواْ الحْجَّ وَ الْعُمْرَةَ »[55] فقهاي فريقين بر مشروعيت و اهميت آن اجماع دارند: شافعيه و حنابله و اكثر اماميه به استناد آيه فوق و احاديث آن را بر افراد مستطيع واجب و بر سايرين مستحب مي‌دانند اما حنفيه و مالكيه فقط به استجابت مؤكد آن فتوا داده‌اند.[56]

عمره فرصت همیشگي را براي گردهمايي مسلمانان سراسر جهان فراهم مي‌كند. عمره همان حكمت‌هاي اجتماعي، فرهنگي، اقتصادي و... حج را داراست. بحمدا جمهوري اسلامي ايران چند سالي تا حدودي موفق بوده است. اگر ساير كشورهاي اسلامي اين ابتكار را نيز اجرا كنند، اميد ان مي‌رود كه از بحث و گفتگوهاي دوستانه‌اي كه ميان اقشار تحصيل كرده كشورها در سفرهاي عمره پيش مي‌آيد، ضرورت وحدت اسلامي روشن‌تر و تحقق آن سريع‌تر و استوارتر انجام گيرد.

ب) زيارات مراقد پيامبر(صلي‌الله‌عليه‌وآله) و اهل بيت(عليهم‌السلام)

زيارت قبور بزرگان صالح خدا مورد توجه قرآن كريم است، مانند مسجدي كه بر غار اصحاب كهف بنا شد كه اين مسجد با توصيه مؤمنان آن زمان انجام گرفت: «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُواْ عَلي أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيهْمِ مَّسْجِدً»[57]

دليل ديگر بر جواز زيارت قبور صالحين آيه‌اي است كه پيامبر اكرم(صلي‌الله‌عليه‌وآله) را از قبور منافقان نهي مي‌كند: «وَ لا تُصَلِّ عَلي أَحَدٍ مِّنهْمُ مَّاتَ أَبَدًا وَ لا تَقُمْ عَلي قَبرْهِ إِنهَّمُْ كَفَرُواْ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَاتُواْ وَ هُمْ فَاسِقُونَ»[58] اين آيه در نكوهش متخلفان از جهاد نازل شده است و خداوند آنان را در رديف كافران قرار داده و به دليلي كه در حال گناه نفاق بردند، بر پيامبر(صلي‌الله‌عليه‌وآله) جايز نيست كه بر جنازه‌شان نماز گذارد يا بر مزارش بايستد، مفهوم آيه اين است كه ايستادن بر مزار صالحان

پيامبر(صلي‌الله‌عليه‌وآله) خدا به خصوص نبي مكرم اسلام(صلي‌الله‌عليه‌وآله) و اهل بيت ايشان است. كه زيارت آنان در زمان حيات و ممات به موجب آيه مودت واجب است: «قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ في الْقُرْبي»[59] پاداش رسالت حضرت ختمي مرتبت ابراز محبت عميق قلبي به اهل بيت ايشان است و فايده اين محبت در واقع به محبّ باز مي‌گردد؛ زيرا با ايجاد ارتباط عاطفي زمينه‌هاي تربيتي بسياري چون الگوگيري، اطاعت و... فراهم مي‌شود.

مودت مذكور در آيه، عام و مطلق است و اختصاص به بعضي از اهل بيت، دون بعض ندارد و همه زمان‌ها را شامل مي‌شود چه در حيات و چه پس از ممات. به اين دليل و به استناد روايات نبوي بسياري، مسلمانان همه ساله پيش يا پس از مناسک حج و عمره به زيارت مرقد نبي اكرم (صلي‌الله‌عليه‌وآله) و پنج تن از اهل بيت ايشان: حضرت فاطمه(سلام‌الله‌عليها)، ائمه هدي حسن بن علي، علي بن الحسين، محمد باقر و جعفر صادق(عليهم‌السلام) و مراقد ساير صحابه و تابعين صالح در بقيع مي‌روند. در طول سال شاهديم كه صف دراز مسلمانان اعم از شيعه و سني پشت نرده‌هاي بقيع و زيارت از راه دور تحريم‌هايي وهابيت را ناشنيده مي‌انگارند.

زيارت جمعي حاجيان ياد نبي مكرم اسلام(صلي‌الله‌عليه‌وآله) و اهل بيت(عليهم‌السلام) را كه از عوامل مشترک وحدت اسلامي‌اند، زنده نگه مي‌دارد.

ابراز مودت مسلمانان از صدر اسلام تاكنون به خاندان نبوت در حيات و ممات ايشان از امور مسلم بوده و تاريخ حقايق بسياري را ثبت كرده است مانند محبت به پنج تن آل عبا[60] به عيادت زنان صحابه از حضرت فاطمه(سلام‌الله‌عليها) پس از حوادث سقيفه و عصبيت فدک، اصرار مسلمانان براي شركت در تشييع جنازه آن حضرت، شركت همه مسلمانان حتي مخالفان سياسي اهل بيت (عليهم‌السلام)در تشييع جنازه ائمه هدي: امام حسن(عليه‌السلام)، شركت همه مردم مدينه و خالي شدن مسجد النبي در تشييع جنازه امام علي بن الحسين(عليه‌السلام) و حتي در تشييع جنازه امام حسن عسكري(عليه‌السلام) علماي اهل سنت در قرن 4 در مدارس علمي بغداد همواره به زيارت مراقد امام كاظم و جواد(عليهما‌السلام) مي‌رفتند و توسل مي‌كردند. و در زمان ما شاهد تشرف بسياري از زائران اهل سنت به حرم امام علي بن موسي الرضا(عليه‌السلام) در مشهد هستيم.

پس بر علماي شيعه و سني است كه با بالا بردن ميزان معرفت مردم به اهل بيت(عليهم‌السلام) و تشويق آنان به زيارت مراقد آل معصومان عمل به آيه مودت را در همه جوامع اسلامي فراگير سازند.

2- دعاي خير براي برادران ديني

دعا سادهترين و دائميترين و سريعترين ارتباط انسان با خداست، مقدمات، شرايط و عبادات خاصي ندارد، حتي لازم نيست بر زبان آورده شود. نزديكترين حالت بنده به خداست: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَني فَإِني قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ»[61] ارزش اعتقادي دعا همه سطح عبادات است و تارک آن مستحق خلود در جهنم است: «ادْعُوني أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»[62] دعاي بنده مهمترين عامل توجه خدا و اقبال رحمت و هدايت اوست: «قُلْ مَا يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبي لَوْ لا دُعَاؤُكُمْ»[63]

خداوند متعال همانطور كه به دعا توصيه ميكند، دعاهاي بسياري را چه ابتداءاً و چه با نقل دعاي بندگان صالح و مرضياش به مؤمنان ميآموزد، از جمله دعاهاي قراني كه وحدت را تقويت ميكند دعاي خير مؤمنان براي همكيشان گذشته و حال و آينده خود است. دعاي خير در واقع برخاسته از اخوت و مودتي است كه مؤمنان با يكديگر دارند و اين برادري را فراتر از عصر خود توسعه ميدهند، مؤمنان چنانكه قرآن ميفرمايد: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»[64] و به يكديگر مهر ميورزند: «محمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلي الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنهَمْ»[65] و اين محبت آنان را وادار به هرگونه خيرخواهي اعم از ايثار: «وَ الَّذِينَ تَبَوَّءُو الدَّارَ وَ الْايمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يحُبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيهْمِْ وَ لا يجَِدُونَ في صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُواْ وَ يُؤْثِرُونَ عَلي أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بهِِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَئكَ هُمُ الْمُفْلِحُو»[66]صلح و آشتي، دوري از كينهتوزي: «وَ الَّذِينَ جَاءُو مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِاخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْايمَانِ وَ لا تجَْعَلْ في قُلُوبِنَا غِلاًّ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِي»[67] عفو و گذشت: «وَ الَّذِينَ يجَْتَنِبُونَ كَبَئرَ الْاثمِْ وَ الْفَوَاحِشَ وَ إِذَا مَا غَضِبُواْ هُمْ يَغْفِرُونَ»[68] امر به معروفو نهي از منكر: «وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ»[69]و... ميكند.

دعا خالصانهترين خيرخواهي است چرا كه در خفا و از اعماق دل برميخيزد و از خالق يكتا مسئلت ميشود. دعاي خير جداي از موضوع آن همگرايي قلبي را كه ركن دوم وحدت به شمار ميايد، ايجاد ميكند. از جمله دعاهاي مؤمنان براي برادران ديني خود موارد ذيل است:

1- طلب آمرزش و صفاي دل: از رفتار نيک مهاجران در صدر اسلام دعاي خير براي انصار است: «وَ الَّذِينَ جَاءُو مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِاخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْايمَانِ وَ لا تجَعْلْ في قُلُوبِنَا غِلاًّ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيم»[70]

خداوند پس از توصيف انصار به ايمان و مهرورزي و ايثار به مهاجران، گروه مهاجر را به دعاي خير براي انصار توصيف مي‌كند.

2- رهايي از دوزخ: از نشانه‌هاي پرهيزكاران طلب آمرزش و نجات از دوزخ براي خود و ديگران است: «الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّار»[71]

3- درخواست رحمت: از نشانه‌هاي بندگان مؤمن خدا درخواست آمرزش و رحمت براي يكديگر است. «إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحمَْنَا وَ أَنتَ خَيرْ ُ الرَّاحِمِينَ»[72]

4- درخواست دفع شر كافران: «رَبَّنَا َلا تجَْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ»[73]

5- تماميت نور: «يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا»[74]

6- درخواست شريعت سمحاء: از صفات مؤمنان درخواست قوانيني سهل و در حد توان و اغماض از فراموشي و اشتباهات است: «رَبَّنَا َلا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ َلا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلي الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ َلا تُحَمِّلْنَا مَا َلا طَاقَةَ لَنَا بِهِ»[75]

7- درخواست پيروزي بر كافران: «أَنتَ مَوْلَئنَا فَانصُرْنَا عَلي الْقَوْمِ الْكَفِرِين»[76]

8- دافع انحراف و فساد عقيده: «رَبَّنَا َلا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّاب»[77]

9- پاداش و نيكي دنيا و آخرت: «رَبَّنَا ءَاتِنَا في الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ في الاَخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّار»[78]

و صدها دعاي خير ديگر كه مؤمنان براي خود و ديگران مي‌خواهند. اين دعا دل‌ها را به يكديگر نزديك و اعتقاد توحيدي را تقويت مي‌كند.

دفع اتهام لعن مؤمنان از شيعه

لعن يا نفرين دعاي شر و درخواست هرگونه بدي از خداست. لعن در مقابل رحمت قرار دارد. ملعون كسي است كه از رحمت خدا بريده شده است. لعن در قرآن به خدا، فرشتگان، انسان‌ها اسناد داده شده است. و هر اسناد معناي مناسب خود را دارد. لعنت از خدا به معناي بدون ياور ماندن است اين معنا در اين آيه آمده است: «أُولَئكَ الَّذِينَ لَعَنهَُمُ اللَّهُ وَ مَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تجَِدَ لَهُ نَصِيراً»[79]

بعضي از علماي اهل سنت و غالباً وهابيت معتقدند كه لعن شيعه به برخي از صحابه و تابعين بزرگترين عامل تفرقه ميان مسلمانان است.[80] و معتقدند كه صحابه همه عادلند حتي افرادي چون معاويه بن ابوسفيان و پدرش، و نظر به اين‌كه بسياري از معلونان بر زبان شيعه، از نظر اهل سنت نيز مستحق لعنند و از طرفي قائل به عدالت همه صحابه‌اند. تلاش مي‌كنند كه به‌طور كلي لعن به مسلمان را اعم از ظالم و عادل، كاري مخالف قرآن و سنت نبوي جلوه دهند.[81]

در ردّ اين شبهه بايد گفت:

اولاً: خداوند در قرآن كريم به منافقان، ظالمان، كافران، دروغگويان، يهوديان، تهمت زنان، آزار رسانان به پيامبر و مؤمنان و... لعن فرستاده است.

ثانياً: هيچ دليلي بر عدالت همه صحابه نداريم، آنان به جز اهل بيت عصمت(عليهم‌السلام) مردمي عادي بودند كه با شنيدن دعوت پيامبر(صلي‌الله‌عليه‌وآله) ايمان آوردند و عده كثيري از آنان پس از چند سال عناد و مقاومت در برابر سپاه اسلام مانند خليفه دوم بلكه لشكركشي در برابر اسلام كردند مانند

عمر و ابوسفيان و معاويه و حداقل تا پيش اسلام آوردن به علت ايذاء پيامبر و مؤمنان مورد لعن خداوند و فرشتگان و مؤمنان بودند. چنانكه بدرفتاري آنان در كتب تاريخي و اعلام آمده است.[82]

ثالثاً: لعن در ميان صحابه بر ظالمان و منافقان لجوج از خود نيز لعن ميفرستادند. براي مثال وقتي معاويه برادران عايشه همسر رسول خدا(صليالله‌عليه‌وآله) را به شهادت رساند، عايشه در مسجد بر او لعن ميفرستاد. اميرمؤمنان علي به علت ظلمها و كارشكنيها و جنگهايي كه معاويه بن ابوسفيان به پا كرد، او را در قنوت نماز لعن ميكرد.

رابعاً: بسياري از عالمان اهل سنت در زمان حاضر هم تابعيان ظالم مانند يزي بن معاويه را لعن ميكنند.

خامساً: شيعه كسي را جز ظالمان مورد لعن خدا و رسول(صليالله‌عليه‌وآله) را لعن نميكنند.

سادساً: جهر به لعن اگر باعث تفرقه مسلمين شود، در طول تاريخ مورد انكار علماي شيعه بوده و در حال حاضر مورد منع شديد مقام معظم رهبري حضرت آيهاﷲ خامنهاي است. و ايشان صراحتاً لعن صحابه و صحابيات برجسته را تحريم كردهاند. بنابراين رفتار عوام، معيار قضاوت نيست.

در پايان به علت محدوديت زمان تنها اشارهاي گذرا به رفتارهاي وحدتگرايانه در جوانب ارتباط با خود و جامعه ميكنيم:

ب) رفتار با خود

بديهي است كه علت اصلي بسياري از عداوتها و اختلافات به فرموده قرآن كريم جهل و رذايل اخلاقي چون حسادت، بد گماني، جاه طلبي، خيانت، بخل و... است كه قرآن كريم تنها چاره را در تهذيب نفس و توبه و انابه به سوي خدا ميداند: «وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّئهَا * فَأَلهْمَهَا فجُورَهَا وَ تَقْوَئهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّئهَا * وَ قَدْ خَابَ مَن دَسَّئهَا»[83]و نيز « وَ تُوبُواْ إِلي اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكمُْ تُفْلِحُون»[84]

ج) رفتار با جامعه

انسان موجودي اجتماعي است و از ابعاد مادي و رواني به همنوعان خود وابسته است. ادامه حيات و ادامه نسل بدون ديگران امكانپذير نيست. جوامع نيز اينگونهاند؛ لذا براي بقاي جوامع رفتارهاي اجتماعي همگرا ضروري است و از ديدگاه قران كريم جامعه مسلمين هم به اين نوع رفتارها نيازمند است و جامعه اسلامي را به رفتارهاي زير توصيه ميكند:

تعاون: «وَ تَعَاوَنُواْ عَلي الْبرِّ وَ التَّقْوَي وَ لا تَعَاوَنُواْ عَلي الْاثْمِ وَ الْعُدْوَان»[85]

اخوت و برادري: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُواْ بَينْ أَخَوَيْكمُ»[86]

مودت: «محَّمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلي الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنهَُا»[87]

صلح و آشتي: «وَ إِن طَائفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُواْ فَأَصْلِحُواْ بَيْنهَُمَ»[88]

عدالت: «وَ أَقْسِطُواْ إِنَّ اللَّهَ يحُِبُّ الْمُقْسِطِين»[89]

رسيدگي به نيازمندان: «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَوةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَوةَ»[90]

والحمد رب العالمين

نتيجه:

رفتارهاي وحدت گرايانه در آموزههاي قرآن كريم در سه جانب ارتباط با خدا، خود و جامعه توصيه شده است كه با عمل به انها جوامع مسلمين به وحدت حقيقي نائل ميشوند.

پيشنهاد:

مسئولان فرهنگي و سياسي جوامع اسلامي با توجه به قرآن، امكانات ايجاد وحدت را فراهم نمايند.

فهرست منابع

كريم قرآن v

1. ابن عساكر، تاريخ مدينه دمشق، (cd مكتبه اهل البيت).

2. ابو نعيم اصفهاني، حليه الاولياء.

3. الإستيعاب.

4. الإصابه في معرفه الصحابه.

5. بخاري، محمد، صحيح.

6. حر عاملي، وسايل الشيعه.

7. دار الهدي، اعتكاف برابر با نظلرت آيه ا ناصري اصفهاني، قم، تشيع، چ 3، 1385.

8. داستاني بيركي، علي، جهان اسلام از ديدگاه امام خميني، تبيان 19، تهران، مؤسسه نشر و تنظيم آثار امام خميني، چ 4، 1391.

9. دفتر كنگره جهاني ائمه جمعه و جماعات، وحدت اسلامي، قم، الهادي، بي تا.

10. رازي، فخرالدين، مفاتيح الغيب.

11. رحمت و شفقت اهل بيت و صحابه.

12. عسكري، مرتضي، نقش عايشه در اسلام.

13. فتحي، شهاب الدين، تجزيه كشورهاي اسلامي طرحي از برناردلوئيس، پايگاه خبري اسلام تودي، خبرگزاري فارس.

14. كليني، محمد بن يعقوب، اصول كافي، تصحيح علي اكبر غفاري، بيروت، دار صعب، چ 4، 1409ق.

15. مؤسسه پژوهشي فرهنگي انقلاب اسلامي، انسجام اسلامي در بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي (آيه‌ها خامنه‌اي)، تهران، ناشر مدرن، 1386.

16. مؤسسه نشر و تنظيم آثار امام خميني، وحدت از ديدگاه امام خميني.

17. مغنيه، محمد جواد، الفقه علي المذاهب الخمسه.

18. نجف آبادي منتظري، حسين علي، احكام و مناسک حج، قم، سايه، چ 4، 1428ق.

19. نجفي، محمد حسن، جواهر الكلام، تحقيق عباس قوچاني، علي اخوندي، بيروت، دار احياي التراث العربي، چ 7، 1404ق.

[1]. معجم الوجيز، ص662.

[2]. انبيا/492.

[3]. مومنون/ 452.

[4]. رك. مجمع البيان، ج7، ص62 و كبير، ج22، ص219.

[5]. ذاريات/56.

[6]. تبيان15، ص 104

[7]. آل عمران/43.

[8]. بقره/43.

[9]. علي طباطبايي، رياض المسائل، ج4، ص201 .

[10]. تبيان 15، ص 86.

[11]. حر عاملي، وسايل الشيعه، ج8، ص287.

[12]. همان.

[13]. همان.

[14]. همان.

[15]. همان/ ص301

[16]. همان.

[17]. جمعه/9 .

[18]. محمد جواد مغنيه، الفقه علي المذاهب الخمسه، ج1، ص120

[19]. همان، ص121.

[20]. تبيان 15، ص 104.

[21]. فتح، شهاب الدين، تجزيه كشورهاي اسلامي، طرحي از برنارد لوئيس، پايگاه خبري اسلام تو دي.

[22]. بقره/185 .

[23]. حج/27 .

[24]. علي داستاني بيركي، انسجام اسلامي در بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي / ص 147.

[25]. حج/36 .

[26]. شيخ صدوق، من لايحضر الفقيه، ج 2، ص 43.

[27]. مجمع البيان، ج7 و كبير، ج30، ذيل سوره قدر.

[28]. آل عمران/19.

[29]. فضل طبرسي، مجمع البيان، همان جا؛ فخرالدين رازي، تفسير كبير، همان جا .

[30]. شيخ عباس قمي، مفاتيح الجنان، باب اعمال شب قدر.

.[31]علي داستاني بيركي، انسجام اسلامي در بيانات رهبر معظم انقلاب اسلامي / ص148.

[32]. بقره/125.

[33].محمد حسن نجفي، جواهر الكلام، ج17، ص159 .

[34]. محمد جواد مغنيه، الفقه علي المذاهب الخمسه، ج1، ص756.

[35]. همان.

[36]. گفتگو با معتكفان.

[37]. دارالهدي، اعتكاف ابرار، ص30 .

[38]. محمد بن يعقوب كليني، اصول كافي، ج 2، ص 18؛ محمد بخاري، صحيح، ج 1، ص 7.

[39]. آل عمران/97 .

[40]. حج/28 .

[41]. فخرالدين رازي، تفسير كبير، ج11، ص114 .

.[42]محمد بن يعقوب كليني، اصول كافي، ج8، ص612

[43]. حسين علي نجف آبادي، احكام و مناسك حج، ص17 .

[44]. حر عاملي، وسايل الشيعه، كتاب حج.

[45]. كوبيدن پا بر زمين همگام طواف به منظور نماميش توان نظامي

[46]. تبيان، 15، ص 242.

[47]. توبه/3.

[48]. مجمع البيان، ج3، ص9.

[49]. تبيان، 15، ص 235.

[50]. تبيان، 19، ص 212.

[51]. سفر عمره نويسنده سال 1386.

[52]. مفاتيح الجنان، دعاي عرفه.

[53]. بقره / 198.

[54]. بقره / 200 و 201 و 202.

[55]. بقره / 196.

[56]. الفقه علي المذاهب الخمسه، ج 1، ص 201.

[57]. كهف / 21.

[58]. توبه / 84.

[59]. شوري / 23.

[60]. ر.ک: فضائل الخمسه، هر سه جلد.

[61]. بقره / 186.

[62]غافر / 60.

[63]. فرقان / 77.

[64]. حجرات / 10

[65]. فتح / 29.

[66]. حشر / 9.

[67]. حشر / 10.

[68]. شوري / 37.

[69]. توبه / 71.

[70]. حشر / 10.

[71]. آل عمران / 16.

[72]. مؤمنون / 109.

[73]. ممتحنه / 5.

[74]. تحريم / 8.

[75]. بقره / 286.

[76]. همان.

[77]. آل عمران / 8.

[78]. بقره / 201.

[79]. نساء / 52.

[80]. www.sunny.com

[81]. همان.

[82]. ر.ک: تاریخ ابن عساکر، الاستیعاب، حلیه الاولیاء الاصابه.

[83]. شمس/ 7 – 10.

[84]. نور / 31.

[85]. مائده / 2.

[86]. حجرات / 10.

[87]. فتح / 29.

[88]. حجرات / 9.

[89]. همان.

[90]. مائده / 55.